

قبلا فکر می کردم خیلی آزادم ولی بعد از انتخاب حجاب فهمیدم آزاد نبودم !

چگونه حجاب را انتخاب کردید ؟

فاطمه هوشینو : وقتی مسلمان شدم ، احساس کردم ، من قبلی مرده و خداوند زندگی جدیدی به من عطا کرده . می خواستم دستورات خداوند را اطاعت کنم . از اول فلسفه حجاب را نمی دانستم اما چون دستور خدا بود می خواستم اطاعات کنم . بعد ها بطور تجربی فهمیدم حجاب چیست . قبلا فکر می کردم خیلی آزادم ولی بعد از انتخاب حجاب فهمیدم آزاد نبودم ، برای خودم زندگی نمی کردم برای خودم تصمیم نمی گرفتم بلکه برای دیگران این کارها را انجام می دادم تا دیگران از من لذت ببرند . فهمیدم کارهایی که سالها انجام داده بودم ، من را هم سطح کالا قرار داده بود نه یک انسان ! وقتی که حجاب را انتخاب کردم فهمیدم انسان هستم و شخصیت دارم ، درون خود من مهم است و دیگران نمی توانند طبق ظاهر من ، شخصیت را قضاوت کنند . این فکر به من آرامش داد چون دیگران مهم نبودند بلکه خداوند مهم بودند !

بعد از مسلمان شدن و محجبه شدن ، عکس العمل اطرافیا چه بود ؟

فاطمه هوشینو : سخت بود ، خیلی از دوستانی که داشتم ، رفتند . با خانواده خودم هر روز می جنگیدم . آنها فکر می کردند دیوانه و مریض شدم یا تحت شستشوی مغزی قرار گرفتم . متأسفانه در ژاپن ، اسلام هراسی خیلی زیاد است . معمولا در مورد اسلام ، منفی فکر و برداشت می کنند .

یکبار که در فرودگاه روسری داشتم ، پولیس من را باز داشت کرد . پروازم را از دست دادم چون فکر می کردند ممکن است برای هواپیما خطرناک باشم . پیدا کردن شغل هم خیلی سخت بود . قبلا معلم بودم اما بعد از مسلمان شدن ، این کار کمی سخت بود پس باید شغلم را عوض می کردم . از طرفی باید خودم زندگی خودم را می ساختم چون خانواده ام با عقیده من مخالف بودند ، من نیز نمی خواستم به آنان تکیه کنم . به ذهنم آمد که لباس کارخانه مواد غذایی را بپوشم چون به خاطر مسائل بهداشتی باید سر تا پا را بپوشانی و فقط چشمهایت بیرون باشد . بنابر این برای کار به آنجا رفتم . این خاطرات سخت بود اما الان که به آنان فکر می کنم ، شیرین است .